

### حدیث غدیر در اثبات عقیده شیعه کافی است

در مقالات گذشته بعضی از آیات قرآن را که دلالت بر ساحت عقاید شیعه و اثبات ولایت علی (ع) می‌کرد در روز غدیر روز پرافتخار اسلامی بر پیغمبر نازل شده بود ذکر کردیم و در خلال آن بکلام گهربار پیغمبر اکرم (ص) «من كنت مولاه فعلي مولاه» که علماء اهل تسنن نیز آن را در کتب معتبر خود نقل نموده اند اشاره نمودیم ولی از آنجا که این گفتار آسمانی در اثبات مقام خلافت بلا فصل علی (ع) اهمیت شایانی داشته و بطور تحقیق یکی از بزرگترین اسناد مذهب شیعه است.

و از نظر این شاید خوانندگان گرامی با اهمیت این جمله و قدرت استدلالی آن در اهل تسنن کمتر توجه داشته باشند. لازمت عقاید علماء آنها و اعترافات آنها را در باره این کلام رسول اکرم (ص) که در حقه الوداع در حضور هزارها نفر از مسلمانان بلاد مختلف اسلامی ایراد شده در اینجا ذکر کنیم.

\* \* \*

بدون مبالغه می‌توان گفت که شیعه اگر غیر از این خبر، دلایل دیگری از قرآن و روایات از عامه و خاصه و اعترافات علماء بزرگ اهل سنت و شهادت تاریخ در دست نداشتند، همین خبر صحیح به تنهایی در اثبات عقیده شیعه در مسأله خلافت و حکومت کفایت می‌کرد زیرا این حدیث همان ولایت و حاکمیت مطلقه را که پیغمبر بر تمام مسلمانان داشته و همه مسلمین آنرا قبول دارند تنها برای علی (ع) ثابت می‌نماید.

\* \* \*

### اعترافات اعجاب آمیز

روایات متعددی که از طرف اهل تسنن در خصوص داستان تاریخی غدیر خم در کتب معتبر آنها وارد است با وجود اختلافات جزئی در الفاظ و مضوم، همه آنها این قسمت از گفتار پیغمبر اکرم (ص) را «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» ذکر و تکرار کرده که این جمله را پیامبر در آن روز فرموده است. اینک برای تصدیق این گفتار بقسمتی از این اخبار و اساسی بعضی از علماء اهل تسنن که در

کتابهای خود ، متعرض این روایت شده‌اند آثار می‌کنیم :

احمد بن حنبل از علوی مرفی نقل می‌کند که از زید بن ارقم سؤال کرده پس من از شما حدیثی در شأن علی علیه السلام در روز غدیر خم حکایت می‌کنم ، من دوست دارم خودم از شما آن روایت را بشنوم ، و بد گفت شما اهل عراق یا خاندان رسالت بشوید که در دل دارید ، و ذکر آن بر اعراس خالی از خطریست علیه در جواب او گفت من ساکن جحفه هستم ، از من پاک‌نفاخته باش زید بن ارقم همین‌جا حاضر از خطبه جریان غدیر خم را چنین نقل کرد :

من با رسول خدا (ص) در سر حجة الوداع بودم که پیوسته پیغمبر ندای : **و الصلوة جماعة** از طرف منادی در میان قافله حجاج پیشکش دهه در مکان غدیر خم فرود آمدیم و نماز جماعت در مقابل هوای گرم و سوزان غدیر با حضور جمعیت انبوه مسلمانان با جلال و عظمت خاصی برگزار گردید و بعد از آن امام ما در ظهر رسول اکرم (ص) دست علی (ع) را گرفته در جوار جمعیت تکلم داشت و چنین فرمود : **الستم تعلمون اني اولى باله و امتين من انفسهم ؟ قالوا بلى قال الستم تعلمون اني اولى من كل مؤمن من نفسه ؟ قالوا بلى فأخذ بيد علي (ع) فقال : من كنت مولاه فعلي مولاه ، اللهم وال من والاه و عاداه** :

« آیات صدیقی می‌گوید که من سزاوارترم که بر مسلمانان ولایت داشته و اختیار دار امور آنها باشم همه با هم گفتند آری ، بعد فرمود آیا من سزاوارترم که ولایت بر هر مسلمانی داشته باشم که بر سر نوشت او باشم ؟ جواب دادند بلی . سپس دست علی (ع) را گرفته فرمود هر کسی من ولایت بر او دارم علی نیز بر او ولایت دارد . »

عمر و لا فاصله بعد از خاندان پیغمبر نبوی علی (ع) شتافته چنین سخن آغاز کرد : **« هنيئاً لك يا بن ابي طالب اصبحت واصبحت عوئى كل مؤمن ومؤمنة »** همین روایت را ابن ماجه در « سنن » (۱) و نسائی در « خصائص علی » ، احمد (۲) و زید بن ارقم با مختصر فرقی در مضمون ، نقل می‌کنند (۳)

(۱) ج ۱ ص ۵۲  
(۲) ص ۲۲

(۳) متن روایتی که زید بن ارقم نقل می‌کند چنین است : قام رسول الله (ص) فصداً و اتى عليه ثم قال : **« الستم تعلمون اني اولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى اهل اهل البيت اولى لكل مؤمن من نفسه قال طائفة من كنىة مولاه هذا علي مولاه »** و اخذ بيده علي (ع) الخ ،

این حدیث در « عقدا الفریده » (۱) می‌نویسد : « ما من در مجلس فقهاء برای اثبات برتری علی بن ابیطالب باین کلام پیغمبر استناد کرد ،

**« من كنت مولاه فعلي مولاه ... »**

می‌گوید در دو کتاب خود « الجامع الصغیر » (۲) و « تاریخ الخلفاء » (۳) از ترمذی از این سر حدیث زید بن ارقم بطور تردید این روایت را نقل می‌کند .

محبط بن محمد « ریاض النضره » (۴) از عمر نقل می‌کند که کسی گفت : **« علی مولی من كان رسول الله (ص) مولاه یعنی هر کس که پیغمبر بر او ولایت و حاکمیت داشته علی (ع) نیز بر او ولایت و حاکمیت دارد . »**

همین روایت در مقدمه کتاب : **« كنوز الحقائق »** (۵) که در حاشیه « الجامع الصغیر » چاپ شده و نیز مؤلف کتاب « اعراف الراجحین » که در حاشیه کتاب « نور الابصار » (۶) بطبع رسیده و کتاب « مصابیح السنه » (۷) و « حلیة الاولیاء » (۸) و « نثر الثمائی » (۹) « و الشرف المؤید » (۱۰) و « تذکره الحفاظ » (۱۱) و بسیاری دیگر از اعاظم علماء اهل تسنن در کتب تفسیر و حدیث ، نقل نموده‌اند که در بعضی از آنها را نام می‌بریم :

شمس‌الدین « تاریخ بغداد » (۱۲) از انس و واحدی در « اسباب النزول » (۱۳) و محمد بن صالح عسکری در « مطالب السؤل » و فخر الدین رازی در تفسیر خود « مفاتیح القیوب » (۱۴) و تلمیذین در تفسیر خود (۱۵) و سیوطی در « الدر المنثور » (۱۶) و ابن سیغما لکنی در « فصول المهمه » و ترمذی در « صحیح » (۱۷)

حاکم در « مستدرک » (۱۸) همین روایت را نقل کرده و سپس می‌نویسد « هذا حدیث صحیح »

(۱) ج ۳ ص ۳۸ (۲) ص ۱۱۹ و ص ۱۸۰ (۳) ص ۶۵ (۴) ج ۲ ص ۱۷۰  
(۵) ج ۲ ص ۱۱۷

(۶) متن روایت که در صفحه ۱۵۱ همان ذکر شده چنین است : « قال رسول الله (ص) يوم غدیر خم : من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبته و ابغض من ابغضه و اسر من اسره و اقبل من قبله و ادبر الحق حيث دار . »

(۷) ج ۳ ص ۲۲۰ (۸) ج ۳ ص ۲۲ (۹) ص ۱۶۶  
(۱۰) ص ۱۱۱ (۱۱) ج ۱ ص ۱۰

(۱۲) ج ۷ ص ۳۷۷ (۱۳) ص ۱۵۰ (۱۴) ج ۱ ص ۵۰ (۱۵) ص ۱۲۰

(۱۶) ج ۲ ص ۲۹۸ (۱۷) ج ۲ ص ۲۹۷ این حدیث را نقل کرده و آنرا صحیح حسن دانسته است

(۱۸) ج ۳ ص ۱۰۹ و ص ۱۱۰

علی شرط الشیخین ، ابن کثیر در « البدایة و النہایة » (۱) از طرق متعدد خبر را ذکر می کند ، پیوسته در تاریخ خود (۲) و ابن حجر در فصل پنجم از باب اول : کتاب « الصواعق » این حدیث را ذکر نموده می نویسد : این روایت است صحیح ، تردید در صحت آن وجود ندارد ، و جماعت کثیری نیز مثل ارمذی و سائو و احمد و ... آنرا طرق متعدد نقل نموده و در حدود شانزده نفر از صحابه این خبر را از شخصی پیامبر نقل کرده اند ، (۳)

حاجیه احمد بن حنبل می نویسد : در ۳۰ نفر از صحابه این حدیث را از خود پیغامبر شنیده و در ایام حیات علی (ع) نیز در حضور جمعیت کثیری شهادت بیان داده اند (۴) ابو جعفر محمد بن جریر طبری مورخ و مفسر بزرگ اهل سنن در باره این خبر در جلد کتاب تألیف کرده او در آنها طرق متعدد این حدیث و الفاظ مختلف آنرا وارد کرده است ، و بعضی اعتراضات علماء اهل سنن در صدق این حدیث ايجاب آمیز است و اگر این همه روایات فراوان از کتب معتبر اهل سنت بطرق مختلفه وارد نشده و تنها علماء شیعہ در حدود این حدیث و صحت آن اصرار می کردند ، احتمال می رفت که حمل بر نسب شود ولی با وجود این همه کتاب های متعدد در خصوص این حدیث نوشته شده که حتی علماء اسلام آنها را برای انسان کار دشواری است چگونه ممکن است که حمل بر نسب نایباً گرفته و ادعای شیعہ را در ولایت علی (ع) دوران منطق دانست ؟

(۱) ۵ ج (۲) ۹۳ ص ۲۶

(۳) ۵ ج صفحه ۲۰۸

(۴) روایاتی که از کتب معتبر اهل سنن در اینجا نقل کردیم از میان مصادر روایت معتبری است که درباره این حدیث از بزرگان علماء عامه وارد شده است و تنها مجاهد بزرگوار سید میر حامد حسین هندی در جلد غدیر عیقات اسامی ۱۰۰ نفر از اعظم علماء اهل سنن را نام می برد که مترشح این حدیث شده اند .

خوانندگان گرامی می توانند تقصیل این روایات را در عیقات و تعلیقاتی که بر احقاق الحق تألیف قاضی نورالله شوشتری اضافه شده و همچنین در مجلدات برادرش « الغدیر » کتاب « الاقبال » تألیف سید بن طاووس ص ۶۶۳ ... و غیر آنها مطالعه کنند .